

1. یکی از گوهرهای اصلی دین، حیات بخشی به انسان است که خدای حکیم فرمود: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم.» (انفال، 24) پیام این آیه آن است که اسلام - آن چنان که خدا و رسول می-خواهد نه آنچه در عملکرد ما جلوه می-کند - آیینی کاربردی است که احیای واقعی انسان را - نه نمایشی خیالباغانه و پنداری - هدف گرفته است.

2. میان «بود» این دین چنانکه باید باشد، و «نمود» آن چنانکه در رفتار ما نمودار است، چه نسبتی برقرار است؟ این دو جلو - دین تا چه اندازه با هم مطابقت دارند؟ پرسشی است ژرف، با پاسخی آسان در بیان و دردآور در عمل. دیگر نیازی به تفصیل نیست. آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است؟

3. این فرآیند دردآور را با «پیوند قرآن و عترت» چه نسبتی است؟ بهتر است پیش از پاسخ به این پرسش، یک گزارش را مرور کنیم؛ که باید گفت: «حرفی است از هزاران کاندید عبارت آمد.» این گزارش به ربع قرن قبل باز می-گردد که پژوهشگری درد آشنا سخن از «غیاب» گفت، در برابر «حضور» که غالب مدعیان دین بدان تظاهر می-کردند و می-کنند.

4. در این گزارش، سخن از کسانی است که در جسم زمان (یعنی زمان تقویمی) حضور دارند، ولی از روح زمان (یعنی زمان فرهنگی) غایب-اند. دردا و درینا! که هزیند - این غیاب زبان بار را عمدتاً مردم با خسران-های فرهنگی و حرمان-های دینی خود متحمل می-شوند تا خود متولیان و مدعیان. در گزارش غیاب، صد مسئله مطرح شده که مدعیان باید در بار آنها سخن روشن مستند و روشمند داشته باشند که در بار اغلب آنها چنین پاسخی ندارند. شیو - نگرش ما به چنین مسائلی در شیو - نگارش ما در این موضوع -ها پیداست که چه اندازه سبک و کم مایه است.

5. مضمون برخی از آن صد عنوان با تصرفی در عبارات، چنین است:

× بی-خبری از تجربه - اروپا در بازسازی نظام اندیش - دینی پس از سونامی چندصد ساله - رنسانس.

× نفوذ یهود در دانشگاه - های غربی، به ویژه در رشته - تاریخ ادیان شرق و تاریخ اسلام و تألیفات خائنانه در این موضوع - ها (و به این عامل باید افزود: پژوهش - های یهود در باب شیعه - شناسی در چند دهه - اخیر)

× ترویج تصوف و اباحی - گری به شکلهای گوناگون، در محیط - های آکادمیک و مجالس دینی و...

× تألیف دائرة المعارف -ها و فهرست -ها و دیگر کتابهای مرجع، با درنگ -ها و چند و چون -های ویژه آنها.

× تراش پژوهی هدفمند غربی -ها، که در خلأ کارهای مشابه شرقی -ها (صاحبان اصلی تراش) جای خود را گشوده است و همچنان می -گشاید.

× ترویج روشنفکری قاریچ گونه بی -بوته و روشنفکران بی -هویت.

× سلطه دادن به فضای رسانه -ای و الزامات فرهنگی آن.

6. پاسخ به این نیازها را باید از درونمایه قرآن بجوییم؛ بهین نام آسمانی که کتاب المله المناطق، امام امیرالمؤمنین 7 برنامۀ اهل تقوا را «یستثیرون به دواء دائهم» (نهج البلاغه، خطبه 192) می -داند. روشن است که این همه شرح و تفصیل، به روشنی «پیوند ناگسستنی میان قرآن و عترت» را می -طلبد. یعنی حقانیت حدیث ثقلین را می -توان در دل تاریخ و در ضرورت پاسخ گویی به نیازهای روزمره جست و جو کرد، افزون بر ادله حدیثی و کلامی که تا کنون در کتابها بیان شده و می -شود. البته با رعایت اصل قرآنی «ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبیّن لهم» (ابراهیم، 4) و آموزۀ حدیثی «المعالم بزمانه لا تهجم علیه الملوابس» (کافی 1: 27)

7. کاش قصه اندوهبار غیاب به همانجا پایان می -گرفت و کارنامه کم مایگی ما این سان سنگین نمی -بود. ولی چه کنیم که از واقعیات نمی -توان گریخت. بر پایه گزارشی جدید در باب «فرصت -ها و چالش -های تعامل با حدیث» عواملی چند، به «حدیث گریزی» دامن زده -اند که در تنگی مجال این قلم انداز، فقط به برخی از آنها بسنده می -شود، گرچه در موضع خود جای تفصیل دارد. والمعقل یکفیه الإشارة.

× ترویج فضای پژوهشی و الزامات زیربنایی آن در محافل علمی جهان اسلام.

× استفاده -های ابزاری و یک بار مصرف از احادیث.

× جابجایی آموزه -های اصلی با فرعی در فرآیند ترویج فرهنگ دینی.

× قلّت پژوهشگران آشنا به فضا و زبان آکادمیک در دفاع از حدیث.

× اتهام اخباری‌گری به فرآیند اخبارگرایی و پیامدهای این اتهام.

× غلبه رویکرد حس‌گرایی و تجربه‌گرویی در فضای علمی دینی.

× اکتفای برخی از حوزویان و دانشگاهیان به آشنایی سطحی نسبت به حدیث، و ورود نکردن جدی به ژرفای آن.

× هجمه‌های فراوان به حدیث، در کشاکش بحث‌های کلامی، مانند موضوع امامت.

8. صاحب این قلم، صد البته از دشواری‌های موجود در مسیر حدیث‌پژوهی بی‌خبر نیست؛ هرگز «گزارش راویان از کلام عترت» را «عین کلام عترت» نمی‌داند؛ چالش‌های سهوی و عمدی را که کار را به تصحیف و تحریف و جعل و تقطیع و نقل به مضمون و مانند آنها کشانده، می‌شناسد؛ نیز از مشکلاتی که در مسیر تفسیر مآثور پیش آمده، آگاه است.

امّا انصاف باید داد؛ این همه چالش‌ها و دشواری‌ها آیا به معنای چشم‌پوشی از این میراث غنی است؟ آیا چنین موانعی - مثلاً - در مسیر بهره‌گیری از تراث اهل تاریخ وجود ندارد؟ و آیا وجود این موانع سبب چشم‌پوشی تاریخ‌پژوهان از منابع تاریخی شده یا آنها را به چاره‌جویی و گره‌گشایی‌های منصفانه و علمی و عقلی واداشته است؟ و آیا دشواری‌های مسیر درایه‌المحدیث باید ما را به «پاک کردن صورت مسئله» وادارد؟

9. این راهی است که فصلنامه سفینه در مسیر «راهگشایی فرآیند بهره‌وری بهینه از گنجینه حدیث» می‌پیماید. دست یاری ما به اهل نظر همچنان دراز است؛ در حالی که خطاب به امام منتظر عجل‌الله فرجه - که او را «المعلم المصوب» می‌دانیم - می‌گوییم:

یا بنی‌المعلوم المکامله! بی‌عنایات شما هیچیم هیچ

و در این تحّی‌رهای اندیشه‌سوز دشوار، هم به تعلیم آن امام همام، خطاب به درگاه خدای ذوالجلال عرضه می‌داریم:

واهدنا به لما اختلف فيه من الحق بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم.